

حقوق تجارت

که آیا طبق ماده مزبور تابعیت شرکت موقوف بر این است که مرکز اصلی آن در ایران باشد صرف نظر از محل تشکیل آن یا آنکه ایرانی بودن شرکت منوط بر این است که هم در ایران تشکیل و هم آنکه مرکز اصلی آن در ایران باشد .

راجع باین اختلاف اگر تبعیت از اصطلاح متعارفی بشود چون طبق آن ایرانی به کسی اطلاق میشود که در ایران از ابویین ایرانی متولد باشد بنا بر این لازم میاید برای آنکه شرکتی ایرانی محسوب شود علاوه بر آنکه مرکز اصلی آن در ایران بوده باید نیز در ایران حتی بین افراد ایرانی تشکیل شده باشد ولی چون بطور کلی تبیین تابعیت اشخاص حقوقی از نقطه نظر حل اختلافات محتمل الوقوع است نه از لحاظ اصالت آنها علیهذا نمی توان فرض فوقرا خالی از اشکال دانست مخصوصاً آنکه قانون تجارت در ماده ۵۹۱ صراحت دارد باینکه اشخاص حقوقی تابعیت کشوری را دارند که اقامتگاه آنها در آن کشور است و ماده ۵۹۰ اقامتگاه شخص حقوقی را نیز محلی قرار داده که اداره شخص حقوقی در آنجا است و چنانچه در گذشته اشاره شد اداره شخص حقوقی همان مرکز اصلی است که در ماده اول قید شده است .

چنانچه ملاحظه میشود ماده ۵۹۱ نسبت به محل تشکیل شرکت ساکت و آنرا شرط تابعیت قرار نداده است . البته اگر قانون گذار در ماده اول قانون ثبت شرکتها بجای کلمه (و) بعد از کلمه تشکیل کلمه (یا) نوشته بود دیگر محلی برای تردید باقی نمیماند و ممکن بود تصور رود « برای اینکه شرکتی ایرانی محسوب شود یا باید در ایران تشکیل شود یا مرکز اصلی آن در ایران باشد » از طرف دیگر ممکن است اظهار داشت که مقنن

اقامتگاه اشخاص حقوقی مرکز عملیات آنها خواهد بود و ضمناً نیز طبق ماده ۵۹۰ قانون تجارت « اقامتگاه شخص حقوقی محلی است که اداره شخص حقوقی در آنجاست » .

بطور کلی اقامتگاه شخص حقوقی در اساسنامه یا نظامنامه آن تعیین میشود ولی اگر اقامتگاه شخص حقوقی در اساسنامه یا نظامنامه بطور واضح تعیین نگردیده باشد با توجه به مواد مذکوره در فوق میتوان برای تعیین اقامتگاه آن از مرکز عملیات یا از محل اداره آن استفاده نمود و در صورت وجود هر دو از قسمت اول ماده ۱۰۰۲ قانون مدنی استفاده میشود یعنی مرکز مهم امور و قاعده مرکز مزبور در تشکیلات تجارته اداره آن است .

تابعیت شخص حقوقی - چنانچه قانون تجارت ایران در ماده ۵۹۱ مقرر داشته است اشخاص حقوقی تابعیت کشوری را دارند که اقامتگاه آنها در آن کشور است ولی ماده اول قانون ثبت شرکتها مصوب ۳۱۰ راجع به این موضوع ظاهراً ایجاد اشکالی نموده است چون ماده مزبور مقرر میدارد که شرکتی که در ایران تشکیل و مرکز اصلی آن در ایران باشد شرکت ایرانی محسوب می شود .

مرکز اصلی با توجه به بند ۱ - از ماده ۳۷ قانون تجارت یعنی مرکز امور مهمه که اگر در اساسنامه صراحتاً قید نشده باشد ممکن است بر حسب اقتضا محل عملیات یا اداره شخص حقوقی باشد .

هر چند عبارت ماده اول قانون ثبت شرکتهای مرموز نیست و خیلی ساده بنظر میرسد ولی منظور مقنن را نمی توان باسانی از آن استنباط نمود چه معلوم نیست

در ۱۳ اردیبهست ۳۱۱ تدوین و جانشین قانون تجارت ۱۳۲۵ قمری گردیده است

قانون مزبور مشتمل بر ۶۰۰ ماده میباشد که در شانزده باب تنظیم گردیده و حاوی مطالب ذیل است :

۱- تجار و معاملات تجاری

۲- دفاتر تجاری

۳- دفتر ثبت تجاری

۴- اقسام مختلفه شرکتها

۵- تصفیه امور شرکتها

۶- اوراق بها دار - برات - سفته (فته طلب)

چک .

۷- دلایلی و حق العمل کاری

۸- قرارداد حمل و نقل

۹- قائم مقام و نمایندگان تجاری

۱۰- ضمانت

۱۱- ورشکستگی و آثار آن

۱۲- اشخاص حقوقی

۱- تجار و معاملات تجاری

طبق ماده ۱ قانون تجارت « تاجر کسی است که شغل معمولی خود را معاملات تجاری قرار دهد »

از ماده مزبور چنین استفاده میشود که تاجر بودن اشخاص منوط برین است که شغل معمولی آنها معاملات تجاری باشد بنا برین برای اینکه شخص تاجر معرفی شود صرف مبادرت و اقدام بمعامله و داد و ستد کافی نخواهد بود و رعایت دو شرط ضروری است :

الف - مبادرت و اقدام بمعامله امر اتفاقی نبوده و شغل معمولی شخص مزبور باشد - یعنی استمرار در عمل مزبور

ب - معامله که شغل معمولی شخص مزبور است نوعاً معامله تجاری باشد

دو نوع شرکت را ایرانی شناخته است یکی شرکتهائی که از هر حیث ایرانی هستند مثل شرکتهائی که در ایران بین افراد ایرانی تشکیل و مرکز اصلی آن در ایران است و دیگر شرکتهائی که فقط مرکز اصلی آنها در ایران و باعتبار ماده ۵۹۱ قانون تجارت تابعیت ایران را دارا هستند .

بنظر بنده اگر از کلمه (و) در ماده اول قانون ثبت شرکتهای بجای استفاده عطفی استفاده شرطی شود یعنی بجای (و) (در صورتیکه) قید گردد رفع تمام این اشکالات بشود و در این صورت ماده مزبور در حقیقت مؤید ماده ۵۹۱ قانون تجارت واقع خواهد شد که ایرانی بودن شرکت را بطور مطلق موقوف به مرکز اصلی آن نموده است .

در هر حال در صورت ظهور اختلافاتی راجع به تابعیت شرکتهای بهتر آنست که مرکز اصلی شرکت را ملاک و مدرک تشخیص قرار داد زیرا همان مقرراتی که در باره شرکتهائی که اصلاً ایرانی هستند باید رعایت شود در باره شرکتهائی که باعتبار تابعیت ایرانی محسوب شده نیز لازم الرعایه است .

منظور عمده از تجارت خرید و فروش اجناس بقصد انتفاع است و چنانچه در گذشته ذکر شد حقوق تجارت بیشتر مربوط بحقوق و تعهداتی است که در نتیجه معاملات تجاری ایجاد میشود بنا برین حقوق تجارت مشتمل است بر :

۱- مجموعه موادی که با اسم « قانون تجارت » نامیده میشود

۲- عرف و عادت تجاری

۳- قوانین مربوطه بخريد و فروش و تعهدات

۱- قانون تجارت

قانون تجارت عبارت از مجموعه موادی است که